استصحاب، راه‌کار شارع برای مدیریت سه‌وِلت، تعظیم شعائر و میقاتیت هلال

ولی همین امر تکوینی کارهای دیگری هم از آن بر می‌آید. یعنی وقتی خدای متعال می‌خواهد حکم خودش را به اجرا درب‌یاورد، چیزهای دیگری را در نظر می‌گیرد. تنها نمی‌خواهد استصحاب بکند؛ آن یکی از آن‌ها است. عرض کردم سه‌وِلت، نظم و تعظیم شعائر را برای شهر در نظر می‌گیرد. مطلب اختصاصی مانحن فیه، میقات بودن است. یعنی شارع غیر از این‌که می‌گوید روزه ماه مبارک را بگیرید، میقات بودن در نظر او مهم است. «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ»؛ نه فقط برای مسلمین، «والحج»؛ حج امر شرعی می‌شود ولی این اهله خودش مواقیت هستند.

پس میقات بودن آن امر تکوینی منظور نظر شارع است و برای آن حساب باز می‌کند. سؤال من این است: شاید جلوتر هم عرض کرده بودم و الآن می‌خواهم تأکید کنم؛ اگر شما به شهر مبارک به‌عنوان یک موضوع تکوینی و قطعه‌ای از زمان و بعد می‌گویید میقات است، میقات بودن از آثار این امر تکوینی است؟ یا عین خود این امر تکوینی است؟ این امر تکوینی خودش میقات است؟

شاگرد: عین آن است.

استاد: اگر انسان‌ها نبودند میقات معنا داشت؟! نه، ولی آن قطعه زمانی بود. من می‌خواهم این را عرض کنم؛ میقات بودن از اموری است که به انسان‌ها مربوط می‌شود. پس تا مسأله احراز آن موضوع تکوینی برای انسان‌ها مطرح نشود، نمی‌توانند از آن موضوع تکوینی برای نظم خودشان استفاده کنند. چه زمانی آن شهر واقعی می‌تواند میقات باشد؟ محور میقات نظم بود؛ آن موضوع واقعی چه زمانی می‌تواند نظم بدهد؟ وقتی آن‌ها بدانند. اگر ندانند که نمی‌شود. پس شارع برای این موضوع تکوینی، یک حیثیت مهم دیگری در نظر دارد که میقاتیت است. و آن میقاتیت در مرحله خارج با احراز آن موضوع، جوش خورده است. یعنی معنا ندارد که میقات را بگوییم اما واقعش منظور باشد. چون آن‌ها می‌خواهند نظم داشته باشند. نظم آن‌ها به علم آن‌ها مربوط می‌شود. و لذا می‌خواهم نتیجه بگیرم مسأله میقاتیت اهلّه در طول آن امر ثبوتی «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ[1]» است. چرا؟ چون صیام شهر رمضان یک امر ثبوتی برای ماه مبارک بود. همانی که می‌گفتیم «اذا اهلّ هلال شهر رمضان غلّت مردة الشیاطین» در عالم با ورود ماه مبارک یک امور تکوینی واقع می‌شود. این یک احکام تکوینی است. صیام هم ثبوتی بود. ولی یک چیزهایی هست که می‌خواهند میقات هم باشد. تعظیم شعائر و صیام مردم هم باشد. اینجا است که شارع از اصل استصحاب استفاده می‌کند. نه

اینکه عاشق استصحاب باشد. با استفاده و انتفاع بردن از اصل استصحاب، هم نظم میدهد و هم کار را آسان میکند و هم تعظیم شعائر میکند که همه با هم روزه بگیرید. و هم اینکه سهولت شریعت را مراعات کرده و هم برای همه مسلمین آسان است و هم انجام شریعت سهله در طول تاریخ آسان است. دوام شریعت و استیعاب شریعت. همه اینها را در نظر گرفته است. خب در اینجا در مانحن فیه چند چیز مطرح میشود؟

چرا ادله میگوید که صیام یوم الشک را نگیر؟ برای اینکه این مقاصد، لوث نشود. الآن در مانحن فیه چهارتا شد. غیر از نظم و سهولت و تعظیم شعائر، میقاتیت هم شد. این در مانحن فیه، عنایت خاصه است. ببینید در آن روایت باب دوازدهم ابواب احکام شهر رمضان، حضرت فرمودند:

> **عن أبي الجارود وزياد بن المنذر العبدي قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام يقول: صم حين يصوم الناس، وأفطر حين يفطر الناس، فان الله عز وجل جعل الأهلة مواقيت**[2]

یعنی اگر بخواهید جدا شوید میقات به هم میخورد. شما همراه باشید. یعنی الآن میبینید این روایت اصلاً ناظر به این نیست که ماه مبارک چه زمانی داخل میشود که بعداً قضاء بگیری یا نگیری. الآن میخواهند که میقات، محقق شود. میخواهند استفادهای که مد نظر حتمی شارع است از هلال شهر مبارک ببرد که همراه آن تعظیم شعائر است. تعظیم شعائر در مانحن فیه عین میقاتیت است و با هم جوش خورده است.

---

[1] البقره ۱۸۵

[2] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۲۱۲

بازبینی #1
ایجاد شده 20 مه 2026 13:57:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2026 13:57:53 توسط ... .